

# نمایشنامه نویسی در ایران

از آغاز تا کنون

۲

## تحلیل آثار

## حسین فرخی

شوهر و همه درگیری‌های موجود در متن غبرواقعی است. اگر زن و مرد روستایی باشند، برای خان سر به نیست کردن مرد و تصاحب زن بسیار ساده است و دیگر نیازی به زندان انداختن آنها ندارد. رئیس، مرد سیاهپوش و دیگران که در زندان با زن و شوهر مواجه می‌شوند نیز دارای هیت مشخصی نبوده و بیشتر به یک کاریکاتور می‌مانند. در مجموع متن آوای خاموش، متنی است که خواننده را دچار سردرگمی می‌کند.

نمایشنامه : سارا  
نویسنده : ابراهیم آبادی  
تاریخ نگارش :  
چاپ اول : ۱۳۵۶  
ناشر : اوج - تلاش (تبریز)  
تیراژ :  
تعداد صفحات : ۱۰۸  
قیمت : ۸۰ ریال

### نمایشنامه در پانزده تابلو

بازیگران: اصلان بیگ - جیران - آلاگوز - سارا - سلطان بیگ - رحمت - لاله - خان چوپان - جبارخان - نعمت - رجب - دایی ریحان - عاشق.

### خلاصه نمایشنامه:

خداوند به «اصلان بیگ» بعد از سالها دختری می‌دهد که او را «سارا» نامگذاری می‌کنند. بعد از تولد دختر مادرش می‌میرد. از طرفی اصلان بیگ، «آلاگوز» را که از کوچکی بزرگ کرده است و طبق فراری که با زنت گذاشته که اگر صاحب دختری شود او را به همسری پسر خوانده‌اش در خواهد آورد. سارا بزرگ شده و حالا اصلان بیگ تصمیم دارد او را به عقد آلاگوز در آورد. «جبارخان» و «نعمت» ارباب و پیشکار جدید ده هستند. روزی در گذر از چادر اصلان بیگ سارا را می‌بینند. جبار خان از سارا خوشش می‌آید و قصد دارد او را بگیرد. اصلان بیگ مخالفت می‌کند. جبارخان «رجب» پسر «رحمت» از همراهان اصلان بیگ را می‌کشد.

در نهایت سارا قبول می‌کند که عروس جبارخان بشود. آنها راه می‌افتند و سارا خودش را در رودخانه ارس غرق می‌کند تا تن به این تنگ ندهد.



## ابراهیم آبادی

نمایشنامه : آوای خاموش  
نویسنده : ابراهیم آبادی  
تاریخ نگارش :  
چاپ اول : پاییز ۱۳۵۶  
ناشر : تلاش - تبریز  
تیراژ :  
تعداد صفحات : ۷۲  
قیمت : ۷۰ ریال

اولین اجراء سال ۱۳۵۵ به کارگردانی نویسنده در تبریز

بازیگران: مردناشناس - زن ناشناس - نگهبان - مرد اول - مرد دوم - موافق - رئیس - سیاهپوش - خدمتکار.

### خلاصه نمایشنامه:

«زن» و «مردی» توسط «خان» یک ده به زندان می‌افتند. خان که علاقمند به زن است درصدد به دست آوردن اوست. به زن و شوهر نهمت دزدی می‌زند. در زندان آنها در بدترین شرایط قرار دارند و بچه شش ماهه زن را که شیرخواره است از او جدا کرده‌اند.

چند نفر برای بازجویی داخل زندان می‌شوند، مرد حرفی نمی‌زند و زن مدام از خود و شوهرش دفاع می‌کند. سرانجام هر دوی آنها توسط ابادی خان کشته می‌شوند.

\*\*\*

شخصیت زن در «آوای خاموش» محور اصلی نمایشنامه است. زن یک تنه در مقابل خان و نوکران آنها می‌ایستد و در دادگاه فرمایشی خان از شوهرش و خود دفاع می‌کند. نمایشنامه سعی دارد ظلم و ستم حاکم بر مردم را که توسط ابادی حکومت وجود دارد مطرح کند، اما انتقادات موجود در متن، زندانی کردن زن و شوهر، صحنه‌های محاکمه در زندان، ارتباطات مأمورین با زن و

«سارا» حدیث مقابله با ظلم و ظالم است. این نمایشنامه بیشتر نا تکیه بر یک افسانه‌ی محلی آذربایجان به تحریر درآمده است. نویسنده سعی کرده است در یک قالب رئالیستی داستان را از زمان تولد سارا تا مرگ او پی‌گیری کند. قصه بسیار ساده و معمولی پیش می‌رود. درگیری‌های اصلان‌یکم، آلاگوز از یک سو و جبارخان و نعمت بسیار تصنعی و قابل پیش‌بینی است. قرار است سارا قربانی این اثر باشد، چیزی که از همان ابتدای نمایشنامه، خوانند متوجه آن می‌شود، بی‌هیچ کم و کاست روند یکسویه نمایش به پیش می‌رود. آدمهای سیاه، بی‌هیچ تغییر و تحولی همچنان سیاه می‌مانند و آدمهای سفید نمایش هم همینطور، سارا بی‌آنکه نشانه‌ای از یک زن مبارز و مقاوم در برابر حوادث داشته باشد، تسلیم می‌شود و سرانجام خود را در رود غرق می‌کند تا نجات و پاکی خود را حفظ کند. اگر بخواهیم ارزش نهایی شخصیت سارا تأثیرگذارتر باشد، لاجرم باید در گذشته او بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم و همدات پنداری بیشتر با تماشاگر ایجاد کنیم، چیزی که در این متن نویسنده موفق به انجام آن نمی‌شود.

## خرس قولدوربانسان (دزدافکن) نمایشنامه در سه مجلس

**افراد مجلس:** بایرام - پریزاد - نمازیبیک - زلیخا (زن نمازیبیک) - تاروردی (پسر مشهدی قربان) - ولی (پسر خاتون) - اروج (پسر نصیب) - فوق نسه - دیوان بیکی - کمالوف - نجف و سایر تراکمه‌ها و کدخدایا - ماطوی قزاق - کریم یساول - صوفا - مشهدی قربان.

### خلاصه نمایشنامه:

«بایرام» جوان رشیدی است که عاشق «پریزاد» دختر برادر مشهدی قربان می‌شود. از طرفی مشهدی قربان قصد دارد پریزاد را برای پسرش «تاروردی» بگیرد و پریزاد نیز عاشق بایرام است و نمی‌خواهد با تاروردی عروسی کند. با نقشه بایرام و توسط «زلیخا» و شوهرش «نمازیبیک» تاروردی تحریک می‌شود که برای اثبات اینکه جوان زیرکی است، دست به دزدی بزند، چرا که دختران اینگونه مردان را بیشتر دوست دارند. تاروردی و «اروج» و «ولی» به غارت می‌روند. در جنگل تاروردی و بایرام در دو گوشه جنگل قرار می‌گیرند. دو صندوق به غنیمت تاروردی و اروج و ولی در می‌آید، تاروردی در صندوقها را که باز می‌کند، میمون و خرس در آن می‌بیند، خرس با تاروردی درگیری می‌شود و او را زخمی می‌کند، بایرام شلیک می‌کند و خرس فراری می‌شود. تاروردی نیز مخفی می‌شود و دیوان بیکی و همراهانش بایرام را به عنوان راهزن می‌گیرند. او را به اوبه می‌آورند و از «کدخدایا» و «مشهدی قربان» و «نجف» دیگران بینه راهزن‌ها را می‌خواهند. بالاخره با آوردن «فوق‌نسه»، صاحب خرس و میمون و ساسایی تاروردی توسط او، دیوان بیکی تاروردی را دستگیر می‌کند. «پریزاد» و دیگران نیز می‌رسند و سرانجام از پریزاد می‌پرند که حاضر است با چه کسی ازدواج کند، او هم «بایرام» را انتخاب می‌کند، تاروردی نیز در مقابل پرداخت خسارت به صاحب خرس و میمون بخشیده می‌شود.

### مرد خسیس

## نمایشنامه در پنج مجلس

**افراد مجلس:** حیدریبیک - صفریبیک - عسکریبیک - صوفا خانم (مامزد حیدریبیک) - طیبه خانم (مادر صوفا) - حاجی قره - تکذبان (زن حاجی قره) - خداوردی - کریمعلی (نوکر حاجی قره) - سرکز - قهرمان - قرابت - آرائیل - مگردیچ - مورواو - خنیل بوزیانی - نچالنگ - یساول و سایر عمله و مورواو و نچالنگ.

### خلاصه نمایشنامه:

«حیدریبیک» عاشق «صوفا» است و دو سال است که قصد ازدواج با او را دارد ولی بواسطه نداشتن پول نمی‌تواند ازدواج کند. با طرح حیدریبیک و بهرامی «صفریبیک» و «عسکریبیک» و «حاجی قره» از سازاریان تحریک می‌شود تا به اتفاق آنها به خرید اجناس فرنگ بروند، آنها راهی می‌شوند و در راه با مشکلاتی مواجه می‌شوند و در نهایت حیدریبیک برمی‌گردد و بساط عروسی‌اش را برپا می‌کند. حاجی قره در جایی جدا شده و بعد از اینکه می‌خواهد دو زارع ارمنی را اذیت کند، توسط مأمورین دستگیر می‌شود. همه

## میرزا فتحعلی آخوندزاده

نمایشنامه	: تمثیلات (شش نمایشنامه)
نویسنده	: میرزا فتحعلی آخوندزاده
مترجم	: محمدجعفر قزاق‌داغی
تاریخ نگارش	:
چاپ اول	: ۱۲۸۸ ه.ق. چاپ سوم - ۱۳۵۶
ناشر	: خوارزمی
تیراژ	: ۵۵۰۰
تعداد صفحات	: (مجموعه کتاب) ۴۰۵ صفحه
قیمت	:

## وزیرخان لنکران

### نمایشنامه در چهار مجلس

**افراد مجلس:** میرزا حبیب (وزیر) - حاجی صالح (تاجر) - زیبا خانم (زن بزرگ وزیر) - حیدر (فراش) - کریم (مهر) - آقا بشیر (سایطر) - تیمور آقا (برادرزاده خان) - نسا خانم (معشوقه تیمور) - شعله خانم (زن کوچک وزیر) - آقا مسعود (خواجگ وزیر) - خان (حاکم لنکران) - عزیر آقا (پیشخدمتباشی خان) - سلیم بیگ (ایشیک آقاسی خان) - قدیر بیگ (نایب در خانه) - عارضین (چهار نفر) - صمد بیگ (فراش باشی خان) - فراش‌ها - عمال و نجای و ولایت - پری خانم (مادر زن وزیر) - رضا (برادر رضاعی تیمور) - غلامان.

### خلاصه نمایشنامه:

«وزیر» دربار خان لنکران دارای دو زن بنام‌های «زیبا» و «شعله» است. زن بزرگتر او، زیبا با وزیر درباره مناسبات نامشروع زن دیگری با او حرف می‌زند. وزیر قصد دارد برای شعله سفارش یک نیمته دکمه طلا به «حاجی صالح» که قصد رفتن به رست را دارد، بدهد. بعد از رفتن حاجی صالح زیبا وارد اتاق وزیر می‌شود و با وزیر جر و بحث می‌کند. «تیمور» برادرزاده خان که عاشق نسا شده است، به خانه وزیر آمده است. زیبا که داخل اتاق شعله است با شنیدن صدای پا و حرفهای یک مرد غریبه پشت پرده مخفی می‌شود، شعله و نسا و تیمور داخل اتاق می‌شوند، در همین حال سر و کله وزیر پیدا می‌شود و نسا و شعله و تیمور را پشت پرده می‌فرستند. وزیر برای شعله به دروغ از زمین زدن تیمور در نزد خان لنکران حرف می‌زند، تیمور که پشت پرده است خنده‌اش می‌گردد، وزیر پرده را کنار می‌زند، از دیدن زنی زیبا و تیمور تعجب می‌کند، زیبا هر چه توضیح می‌دهد برای وزیر قابل قبول نمی‌افتد و راهی دربار خان می‌شود. در دربار خان، چند مدعی و مدعی‌العموم حضور دارند و خان به کار آنها رسیدگی می‌کند، وزیر وارد شده و از تیمور نزد خان شکایت می‌برد.

آنها توسط رئیس مأموران در جلوی او به «حیدریک جمع می‌شوند و پس از اینکه تضمین می‌دهند دیگر دست به کار خلاف نزنند، آزاد می‌شوند.

صالح خاچمزی - حاجی نوری.

### خلاصه نمایشنامه:

در خانه «حاج کریم زرگر» همه جمع شده‌اند و دربارهٔ کمیابگری «ملا ابراهیم» در طلا و نقره کردن اشیاء می‌گویند، حاجی نوری شاعر مخالف حرفهای آنهاست و می‌خواهد مثنوی خود را دربارهٔ شصت سال پیش که مردم را با همین چیزها گول زده‌اند، بخواند، کسی به حرف او گوش نمی‌کند و هر کدام پولی برداشته و راهی محل ملا ابراهیم می‌شوند. ملا ابراهیم به آنها وعدهٔ یکساعه می‌دهد و پس از اینکه در روز سی‌ام به نزد ملا ابراهیم می‌روند، می‌گوید خاصیت اکسیر را باطل کرده‌اند و وعده سی و یک روز دیگر به آنها می‌دهد تا پولها را برداشته و بروند.

\*\*\*

در «شش نمایشنامه» آخوندزاده که توسط «جعفر قراچه‌داغی» به فارسی ترجمه شده است، تأثیرات نویسنده از تئاتر روسیه، بالاخص سعی در تقلید از آثار نویسندگانی چون «گوگول» و «تورگنیف» و تئاتر قفقاز به وضوح دیده می‌شود.

موضوع و محور اصلی نمایشنامه بحث‌های اخلاقی است، همان چیزی که به نظر آخوندزاده، نمی‌شود به صورتی مقبول‌تر و جذاب‌تر از درام آن را بیان کرد، در نامه‌ای که آخوندزاده به مترجم آثارش، قراچه‌داغی می‌نویسد، توصیه به استفاده از فن «کرتیک» در پند و موعظه و اندرز و خلاصه اصول اخلاق می‌کند.

نمایشنامه‌های آخوندزاده بسیار ساده و ابتدایی‌اند و عمدتاً بر مبنای مسائل اخلاقی و گاه‌ا‌ه پرهیز از روحیات درنده‌خویی حاکمان و اطرافیان آنها دارد. در نمایشنامه «وزیر خان لنگران» نویسنده، ضمن بررسی اوضاع و احوال حاکم و اطرافیان آنها، مسئله عشقی و عاشقی دو دل‌داده را نیز بیان می‌کند، عشق تیمور آقا، برادرزاده حاکم به نسا خانم، خواهر زن وزیر، درگیری‌های این دو، وزیر و تیمور ادامه می‌یابد تا در نهایت با غرق شدن خان در دریاچه، تیمور به سلطنت می‌رسد. دو عاشق به وصال یکدیگر می‌رسند و وزیر خلاف کار نیز تنبیه می‌شود. در «خرس فولدورسان» باز هم با دو عاشق روبرو هستیم، این بار دو آدم از طبقه عامی جامعه، بایرام و پریزاد و دوباره مانعی که بر سر راه آنها وجود دارد، عمو پریزاد و پسرش ناروردی، در اینجا دیگر مسئله حکومت مطرح نیست، اما نویسنده به جنبه‌های منفی برداشته‌های مردم، بالاخص دختران و زنان از جوانان می‌پردازد، آنجا دختر عاشق کسی می‌شود که با راهزن باشد یا بزنبهادر و خلاصه کاری کرده باشد کارستان و ناروردی نیز اسیر همین دسیسه می‌شود که البته توسط بایرام ریخته شده است، در اینجا نیز دو دل‌داده بهم می‌رسند و پایان نمایشنامه نیز پند و اندرز مستقیم عوامل حکومتی است به مردم دربارهٔ اینکه سعی کنند طوری زندگی کنند که خلاف نباشد. چیزی که در نمایشنامه اول، وزیر خان لنگران، این بیانه و پند و موعظه، توسط تیمور صادر شده بود.

**نمایشنامه‌های آخوندزاده بسیار ساده و ابتدایی‌اند و عمدتاً بر مبنای مسائل اخلاقی و گاه‌ا‌ه پرهیز از روحیات درنده‌خویی حاکمان و اطرافیان آنها دارد.**

نمایشنامه سوم، «خسیس» حکایت بازرگانی است که طمع پول درآوردن دارد و با داشتن مال فراوان حاضر نیست از آن در جهت بهبود وضع خود و زنش استفاده کند تا سرانجام دچار مشکل می‌شود و در نهایت متنبه می‌گردد. در «وکلاء مرافعه»، دوباره عشق یک زن و مرد مطرح است و در کنارش شایعی و کلاشی جماعتی که سعی دارند با صحنه سازی حکم دادگاه را عوض کنند و سرانجام نیز محکوم شده و اسیر می‌گردند.

«موسی ژوردان و درویش مستعلی شاه» نمایشنامه‌ای است دربارهٔ خرافات و اعتقادات غلط مردم دربارهٔ جادو و جمل، دوباره یک زوج عاشق

### وکلاء مرافعه

### نمایشنامه در سه مجلس

افراد مجلس: سکینه خانم - گل صباح - عزیزبیک - زبیده - آقا حسن - آقا کریم - آقا سلمان - آقا مردان - آقا عباس - نصیر فراش - داروغه بازار - هبو - شیدا - قربانعلی - خلفه - حاکم شرع - بدل - غفار - قهرمان - نظر - آقا جبار - آقا بشیر - آقا ستار - فراسباشی - زینت - طفل هفت ماهه - اسد.

### خلاصه نمایشنامه:

«حاجی غفور» در ابام طاعون می‌میرد و تنها وارث او دخترش «سکینه خانم» عاشق جوانی است به نام عزیزبیک. از سوی دیگر «زینب» زن صیغه‌ای حاجی غفور با کمک چند شیاد قصد دارند ارث و میراث حاجی را از آن خود کنند. «آقا سلمان» و «آقا مردان» با همکاری «آقا کریم» طی نقشه‌ای قرار می‌گذارند با استفاده از داروغه و چهار نفر شاهد از یکسو و چهار سربازی که حاجی را دفن کرده‌اند، شهادت دروغ مبنی بر داشتن فرزند هفت ماه حاجی بدهند تا از طریق ارث و میراث ۶۰ هزار تومانی حاجی به بچه برسد و نیمی از آن را زینب خانم و برادرش «آقا عباس» بردارند و نیم دیگرش بین آقا سلمان، آقا مرادخان و آقا کریم تقسیم شود. آقا مردان وکیل زینب می‌شود و آقا سلمان وکیل سکینه و در دادگاه موردنظر شهادتی که قرار بوده است به نفع آقا مردان و زینب حرف بزنند، آنها را لو می‌دهند و بدین ترتیب ارث و میراث حاجی به سکینه می‌رسد و او با عزیزبیک ازدواج می‌کند، و شیادان دستگیر می‌شوند.

### موسی ژوردان، حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه مشهور به جادوگر نمایشنامه در چهار مجلس

افراد مجلس: موسی ژوردان پاریسی - حاتم خان آقا - شرف‌نسا خانم - گل چهره - شهربانو خانم - شهبازبیک - خان پری - درویش مستعلی شاه عراقی - غلامعلی عراقی.

### خلاصه نمایشنامه:

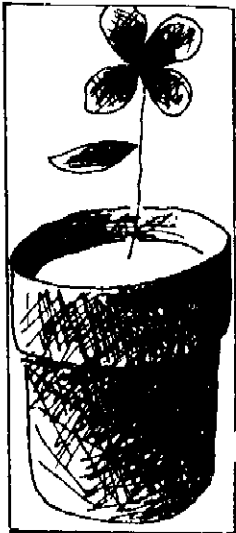
در ولایت «قرباغ» «موسی ژوردان پاریسی» که حکیم نباتات است، مهمان «حاتم خان آقا» است. «شرف‌نسا خانم» دختر خان آقا عاشق «شهبازبیک» پسر عمویش می‌باشد و شهبازبیک قصد دارد برای مدتی به پاریس برود، با اصرار ژوردان پاریسی، حاتم خان آقا راضی می‌شود که شهبازبیک را برای مدت یکسال به پاریس بفرستد. شهربانو خانم، مادر گل نسا سخت مخالف است و با یاری پری خاتون از درویشی جادوگر به نام «مستعلی شاه عراقی» کمک می‌گیرد. درویش در مقابل دریافت پول وعده می‌دهد که می‌تواند ژوردان را بکشد یا پاریس را خراب کند. قرار می‌شود پاریس را خراب کند تا شهبازبیک دیگر نتواند به آنجا برود، چند ورد می‌خواند و مقداری چوب را روی هم چیده و سپس خراب می‌کند، در همین حال موسی ژوردان پاریسی با داد و فریاد داخل می‌شود و خبر می‌دهد که پاریس خراب شده و آنجا بهم ریخته است و سریعاً اسب می‌خواهد که به ارس رفته و از آنجا برود.

### ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر نمایشنامه در چهار مجلس

افراد مجلس: ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر - ملا حمید ساموقلو - درویش عباس ایرانی - حاجی کریم - آقازمان - ملا سلمان - مشهدی جبار - صفرییک - شیخ

وجود دارند و در کنار آن مسئله دیار فرنگ و حضور یک فرانسوی در شهر که نویسنده تأثیرپذیری فرهنگ‌ها و مراودات و سفرهایی که می‌تواند در پیشبرد علم و فرهنگ تأثیرگذار باشند را مد نظر داشته است. در نمایشنامه آخرین مجموعه، مسئله حماقت و سادگی مردم را، نویسنده به صورتی معقول و متین بیان کرده است، مردمی که گول کیمیاگری را می‌خورند و داریابی خود را به او می‌دهند تا او به آنها نقره و طلا بدهد. نمایشنامه‌های آخوندزاده عمدتاً حول و حوش مسائل اخلاقی دور می‌زنند و نویسنده سعی در بیان مسائل و مشکلات روزمره جامعه خود دارد. نوشته‌ها از عمق و غنایی خاص برخوردار نیستند. نمایشنامه‌های آخوندزاده در دفعات متعدد و با ترجمه‌های مختلف منتشر شده است.

نمایشنامه‌های آخوندزاده عمدتاً حول و حوش مسائل اخلاقی دور می‌زنند و نویسنده سعی در بیان مسائل و مشکلات روزمره جامعه خود دارد. نوشته‌ها از عمق و غنایی خاص برخوردار نیستند. نمایشنامه‌های آخوندزاده در دفعات متعدد و با ترجمه‌های مختلف منتشر شده است.



نفس انتظار  
نمایشنامه در یک تابلو

آدمها: زن - مرد - پسر جوان - دختر جوان - پسر بچه.

#### خلاصه نمایشنامه:

«زن و شوهری» سالهاست به انتظار کسی هستند، به نظر می‌آید این انتظار برای بچه‌ای است که نداشته‌اند، «پسر جوانی» به خانه آنها می‌آید، آنها فکر می‌کنند، همان کسی است که آنها منتظرش بوده‌اند، دختر جوانی نیز از راه می‌رسد که پسر منتظر او بوده است. سرانجام پسر بچه‌ای که سالهاست انتظار این زن و مرد را دیده است نیز وارد می‌شود، همه درباره انتظار حرف می‌زنند و زن و مرد حتی نمی‌دانند که منتظر چه کسی هستند و چرا منتظرند، یک روز زن از دهانش بریده و گفته که منتظر است و از آن به بعد این انتظار عادت شده است.

#### انتظار کور نمایشنامه در یک تابلو

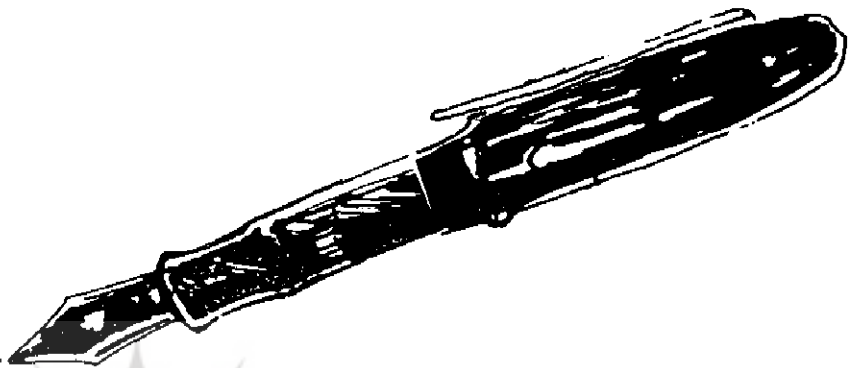
آدمها: زن - خلیل - بزشک - پرستار (جوان) - دختر جوان.

#### خلاصه نمایشنامه:

«زن» و «شوهر» سنی با یکدیگر زندگی می‌کنند، زن باردار شده است و شوهر نمی‌تواند بپذیرد که زن باردار شده. بالاخره زن بچه‌اش را به دنیا می‌آورد و مرد همچنان در نگرانی و تشویش و انتظار، بچه آنها بزرگ و بزرگتر می‌شود ولی پدر هنوز او را نمی‌پذیرد. پسر بزرگ شده و قصد دارد با دختری ازدواج کند، سرانجام پسر در حالیکه که با نامزدش به خانه آمده، با جنازه پدر مواجه می‌شود، پدری که دید مادرش چهل سال پیش مرده است.

\*\*\*

«انتظار» نشانه مشترک هر سه متن است. در قصه اول که طرح نمایشی است و در ... و نمایشنامه دیگر، در سه متن، بحث فرزند و بچه داشتن مطرح است. چه



#### نادر ابراهیمی

نمایشنامه : وسعت معنای انتظار (سه نمایشنامه)  
نویسنده : نادر ابراهیمی  
تاریخ نگارش :  
چاپ اول : ۱۳۵۶  
ناشر : ایران کتاب  
تیراژ :  
تعداد صفحات : ۸۶  
قیمت : ۷۰ ریال

#### این سوی پرچین، آن سوی پرچین یک قصه نمایشی

آدمها: جلال - ملیحه - نازنین - محمود - غنچه (خردسال).

#### خلاصه نمایشنامه:

«جلال» و «ملیحه» بعد از سی سال زندگی مشترک، هنوز بی‌بچه‌اند. همین نداشتن فرزند که گاه باعث بروز ناراحتی و اختلاف بین آن دو می‌شود. ملیحه بارها از جلال خواسته است تا بچه‌ای را برای خود از پرورشگاه بگیرند و بزرگ کنند ولی جلال قبول نکرده است. در ویلای تاستانی آنها، همسایه‌ای به نام «محمود» با زنی «نازنین» زندگی می‌کند. دختر بچه‌ای خردسال به نام «غنچه» دارند که سخت مورد محبت و علاقه فرار می‌گیرد. جلال می‌انگارد که این ارتباط برای آزار روحی اوست، تصمیم می‌گیرد دیواری بالا بکشد و جلوی پنجره را بگیرد که مورد اعتراض همسایه واقع می‌شود. کم‌کم علاقه جلال به بچه بیشتر می‌شود و درآوردن بچه ارتباط عاطفی پیدا می‌کند تا جایی که حتی یک روز بچه را بغل کرده و نوازش می‌کند. محمود و نازنین به جلال مشکوک می‌شوند و تصمیم می‌گیرند از ویلا بروند. جلال یک روز مست سراز خانه آنها در می‌آورد و درخواست لبوانی آب می‌کند و در آنجا با واقعیتی روبرو می‌شود که شاید سالها در حسرت آن بوده است. محمود و نازنین هم بچه‌دار نمی‌شوند و دختر بچه‌ای را از پرورشگاه آورده‌اند و بزرگ کرده‌اند.

در فاصله اول که زن و شوهری بعد از سی سال بالاخره درمی یابند، که سجه پرورشگاهی با بچه خود آنها فرقی نخواهد داشت و چه در فاصله دوم، زن و مردی که بی بچه اند و هر روز انتظار رسیدن فرزندی را بازی می کنند، در متن سوم نیز سجه داشتن محور نمایشنامه است. هر چند که دیگر گره کور باز شده است، اما انگار مرد، باید همچنان در وسعت معنای انتظار بماند. چرا که او نمی تواند بگذرد، انتظارش به سر آمده و زن او باردار است.

## یأس و دلمردگی و سکون، سیکل بسته زندگی آدمهایی که روحیه منزوی آنها، سرگردانشان کرده است، تم اصلی نمایشنامه هاست.

یأس و دلمردگی و سکون، سیکل بسته زندگی آدمهایی که روحیه منزوی آنها، سرگردانشان کرده است، تم اصلی نمایشنامه هاست. از نادر ابراهیمی نمایشنامه هایی چون: «حاره هست آقای مرتب»، «عاص دو قصه نمایشی»، «چگونه گاله نو گالبله ای به عالمجات گالبله تبدیل می شود» و «مذاکرات محرمانه میان دندسن»، در انتشارات امیرکبیر و در ۷۲ صفحه در سال ۱۳۴۹، «انتظار کوره» در مجله تلاش، شماره پنجاه و هشتم، سال شانزدهم، اردیبهشت سال ۱۳۵۵، «برهنگدای درون شب» در کتاب جنبه شماره ۸۰، تیرماه ۱۳۴۲ در ۱۵ صفحه و «شهر بزرگ» در مجله تلاش، شماره ۵۶ سال دهم، اسفند ماه ۱۳۵۴ در ۶ صفحه منتشر شده است.

### علی اکبر ابهری

نمایشنامه	: از پرل هاربور تا هیروشیما
نویسنده	: علی اکبر ابهری
تاریخ نگارش	: ۲۰ شهریور ۱۳۴۲
چاپ اول	: ۱۳۶۰
ناشر	:
تیراژ	:
تعداد صفحات	: ۹۴
قیمت	:

نقش آفرینان: ای جی - لئور - کیوکو - هاروکو - چه کو - پوشکو - دکسیر - کاتوجی - راتالو - یوجی - کوکی جی - لیج - اکبلا - نوبولو - امیکو - فوساکو - دیوانگان - مردم.

### خلاصه نمایشنامه:

ای جی - مهندس که خانه بی است، او در بکسی از روزها در پارک عمومی توکیو با دختری به نام «لئور» آشنا می شود. لئور آمریکایی است و برای مدت سه سال به راین آمده است تا زبان ژاپنی یاد بگیرد. دوستی ای جی و لئور به نامزدی می انجامد. جنگ پس از این و آمریکا آغاز می شود و ای جی به عنوان افسر ذخیره به خدمت می رود. او به مأموریتی در «هیروشیما» فرستاده می شود و در تشم اوت ۱۹۴۵ در بمباران هیروشیما کشته می شود. لئور نیز به هیروشیما می رود و در حالی که در روایت فکر می کند ای جی دارد به سمت او می آید. آغوش باز کرده و از بالای تپه ای به پائین پرت شده و می میرد.

\*\*\*

«از پرل هاربور تا هیروشیما» نمایشنامه ای است که توسط یک ایرانی، درباره فاجعه بمباران هیروشیما نوشته شده است. در این متن که بیشتر به فیلمنامه می ماند تا نمایشنامه، نویسنده مکان های متعددی را آورده است که مطلقاً امکان اجرایی آن مهیا نخواهد شد. پارکی در توکیو، سالن کلیسا، منزل ای جی، حیاط خانه ای جی، باغ وحش توکیو، سالن کابوکی در توکیو، منزل دوست ای جی، دریاچه، خیابان، بیمارستان و... نویسنده بدون تقطیع صحنه،

تقریباً چیزی شبیه به قصه بوسی، به توضیح حالات و اتفاقات متن می پردازد. پیداست که نویسنده سبب به اصول نمایشنامه نویسی اطلاعات جامعه ای نداشته و صرفاً تحت تأثیر احساسات دست به قلم برده است و متن مورد نظر او که بیشتر شبیه به یک فیلمنامه و قصه است تا نمایشنامه به تحریر در آورده. «داخته سید» و «ناگهای زان» به نظر برل هاربور که «کمک دهه هوشماید جنگنده» نام و سحر به زبان «فرانز کافکا» به «وگن جنگی آمریکایی» میم بدل می گردد. جنگ، بین کشور آمریکا و ژاپن رسماً آغاز می گردد. این صحنه با «نظر دقیق و طبع استاد» مدراک موجود حد فن به مدت ۵ دقیقه نمایش داده می شود.

(صفحه ۴۸ من)

و امثال این توضیح صحنه ها که به کرات در سراسر متن وجود دارد. نکته دیگری که در متن به چشم می خورد این است که نویسنده در سراسر نمایشنامه به بند و اندرز و موعظه درباره صلح و آسان بردن و محبت داشتن می پردازد. این بند و موعظه از زبان ای جی، لئور و حتی دیوانگان داخل بیمارستان مطرح می شود.

صحنه اول نمایشنامه، آشنایی ای جی و لئور در پارک شهر توکیو، آشنادر ساده و بیس با افتاده است که در ذهن می گنجد. آن دو در پارک با هم سلام و علیکی می کنند و بعد هم بلافاصله بعد از مختصر توضیحاتی عاشق یکدیگر می شوند و دست در دست راهی خانه ای جی می شوند. نویسنده سعی فراوان دارد، ژاپنی ها را آدم های منظم، حوصله گر، مهربان و صمیمی تصور کند. بالاخص خانواده ای جی در این راستا بسیار موجه فستاد می شوند. عشق لئور و ای جی از دیدگاه نویسنده بسیار پاک و آشنایی مطرح شده است. حتی زمانی که ای جی در بیمارستان هیروشیما کشته می شود، لئور به آنجا می رود و دیگر تحمل زنده بودن را ندارد. او به در حالیکه با خیال ای جی زنده است، از دره پرت شده و به ای جی می پیوندد.

تا کنده، نویسنده بر مسائل اخلاقی، عشق، محبت و رد کردن جنگ های خانمانسوز، رد هرگونه وطن پرستی کاغذی و حتی تا کنده در این جهانی آدم ها، از بهترین نکات مطرح شده در متن است.

### محمد احمدی

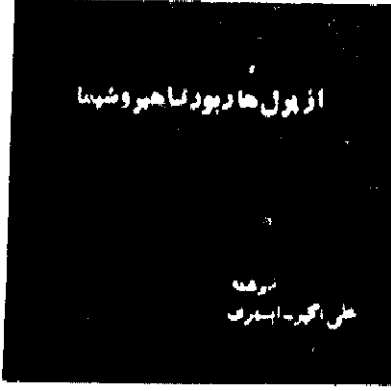
نمایشنامه	: پایان روز دوم و مأمور دو نمایشنامه
نویسنده	: محمد احمدی
تاریخ نگارش	: ۱۳۶۸ و ۱۳۶۴
چاپ اول	: ۱۳۶۹
ناشر	: بزرگ
تیراژ	: ۵۵۰۰
تعداد صفحات	: ۷۲
قیمت	: ۲۷۰ ریال

### نمایشنامه در یک پرده

**شخصیتهای نمایش:** امیر اسماعیل احمد بن سامانی - عمیر و لیت صفاری - رای زن - چاکر - خوان سالار - کسک آشیز - عبدالصنم - مسافر - پیک - سربازان - خواننده - نوازنده - راوی.

### خلاصه نمایشنامه:

«عمر و لیت صفاری» در درگاه «امیر اسماعیل سامانی» به اسارت گرفته می شود. آن دو به چیزی مشترک دست می یابند و آن گذران عمر و از دست دادن لحظات در غفلت است. امیر سامانی حاضر است در مقابل بیست هزار درهم عمر و لیت را آزاد کند. غریبه ای از راه می رسد که حاضر است پانزده هزار و دوست درهم در مقابل آزادی عمر و لیت پرداخت کند. چرا که در دوران کودکی مورد محبت عمر و لیت قرار گرفته است. امیر سامانی در شگفت می شود و عمر اصرار دارد که کشته شود و به نوعی در ندامت به سر می برد.



### مأمور نمایشنامه در یک تابلو

آدمهای نمایش: عبدالله ریاد - حارث - درمان - مسکور - جارچی - محمد - ابراهیم - غلام - خواننده - نوازندگان - سخنوران.

چاپ اول: ۱۳۶۶  
ناشر: مرکز انتشارات فرهنگ و ارتاد اسلامی خراسان  
تیراژ: ۲۰۰۰  
تعداد صفحات: ۴۰  
قیمت:

### خلاصه نمایشنامه:

در فرزند مسلم بن عقیل، «ابراهیم» و «محمد» از زندان «عبدالله» توسط «مسکور» فراری می‌شوند. مسکور زیر ضربات شلاق حلاذان جان می‌سپارد. «حارث» دو بچه را در منزل بیرزی از جویشان خود می‌باید. سر بریده آنها را به درگاه عبدالله می‌آورد. به دستور عبدالله جریان واقع در حضور او بازسازی می‌شود. غلامی که حاضر نیست دو فرزند مسلم را بکشد، خود را در دریا می‌اندازد و حارث خود سر فرزندان مسلم را می‌برد. بعد از پایان بازی‌ها غلامی که حای علاء حارث بازی می‌کرد، قصد جان عبدالله را دارد که توسط عبدالله کشته می‌شود. دو سر بچه‌ای که نقش بچه‌های مسلم را بازی می‌کردند از پشت بام به پایین پرت می‌شوند و حارث نیز به دستور عبدالله کشته می‌تود.

### نمایشنامه در پانزده صحنه

آدم‌ها: شمعون - ایژاک - سمویل - عبدالله - بارون روجاند - نوفومسکی - طولوخ - واکهوب - مک دونالد - ملکولم - محمدعمار - ژاپوینسکی - کرنیس - جونز - آدریلف هیتلر - وولکس - وایزمن - موشه دایان - مستر کلاب - انگلیسی - برادسوی - نرک - دوگارد سازمان - لیل.

### خلاصه نمایشنامه:

«عبدالله سلیمان» از اهالی «دیرباسین» توسط صهیونیست‌ها زندانی می‌شود. او را آقندر آزار و اذیت می‌کند تا زمین آباء و اجدادی خود را بفروشد. اما مقاومت او ادامه می‌یابد. از سوی پسرش «محمدعمار» را که دانشجوی تاریخ دانشگاه فاهره است و جزو ساززمین دستگیر می‌کند. صهیونیست‌ها سعی دارند تا با طعمه فرار دادن هر کدام (پدر و پسر)، دیگری را وادار به سازش کنند. پدر و پسر زن به سازش نمی‌دهند و کشته می‌شوند. موازی با این حادثه در لحظاتی دیگر وضعیت شکل‌گیری یهودی‌ها و صهیونیست‌ها در مجمع انگلیسی‌ها و کمک آنها، برخورد هیتلر با آنها و همبیطور شیوه‌های حمایت از مهاجران یهودی و بیرون کردن مسلمانان از طریق خرید اجباری زمین‌های آنها مطرح می‌شود.

صهیونیست‌ها، دیرباسین را با خاک یکسان می‌کنند. «لیل» دختر عبدالله، در پایان نمایشنامه در حال خروج از دیرباسین است. او را می‌خواهند به اردوگاهی بزنند که زیر نظر کمسیون سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند. لیل با برخاستن و بر سر آنها فریاد می‌زند.

\*\*\*

وقتی که فرار باشد در یک نمایشنامه کوتاه تمامی اطلاعات و تاریخی موردنظر درباره صهیونیست‌ها گفته شود، آنوقت نمایشنامه تبدیل می‌شود به کلاس تاریخ. یکسری آمار و ارقام و جزو بحث‌های تاریخی که می‌شود آن را در یک مقاله نوشت. در این صورت دیگر با یک اثر دراماتیک روبرو نیستیم.

«سفر اشغال» هم دچار همین ضعف اساسی است، یعنی نمایشنامه نیست. «نوفومسکی»، «طولوخ»، «واکهوب» و «مک دونالد» هر کدام به تفصیل در مورد اهداف صهیونیسم و روش‌های کار آنها توضیح می‌دهند. «هیتلر» سخنرانی مسوطی درباره موهوم بودن یهودیان ایراد می‌کند و جناب «موشه دایان» نیز طرح‌ها و ایده آل‌هایش را مطرح می‌کند. در سرتاسر متن چیزی به نام عمل دراماتیک وجود ندارد. تنها رگه‌هایی از حال و هوای نمایشنامه بودن را در سفر اشغال می‌توان جستجو کرد و آن هم صحنه‌هایی است که مربوط می‌شود به بازپرسی عبدالله سلیمان و محمدعمار. در آن صحنه‌ها هم با یک مشت شعار از سوی آن دو از یک طرف و یک سری آمار و ارقام از سوی مخالفان، سخنان روبرو هستیم.

«مأمور» و «پایان روز دوم» هر دو در حیطه نمایشنامه‌های تاریخی و مذهبی قرار می‌گیرند. این نوع نمایشنامه‌ها عمدتاً فاقد جذابیت‌های جنری است و نویسندگان با توجه به اینکه مجبورند خود را در شرایط تاریخی آن دوره قرار دهند، این جابجایی بواسطه نداشتن شناخت عمیق از مسایل اجتماعی آن دوره تاریخی، قطعاً با مشکلاتی مواجه خواهد شد. شاید جز در آثار بیضایی و یکی دو نمایشنامه نویس دیگر که تا حدودی به آثار تاریخی مسلط هستند، نتوان نمایشنامه نویسی پیدا کرد که بتواند در حیطه آثار تاریخی و مذهبی موفق باشد.

«احمدی» در هر دو نمایشنامه فوق، در حد یک کار متوسط عمل می‌کند. نه در مأمور و نه در پایان روز دوم، نمی‌تواند به توفیق دست یابد. لحظه‌های ناب و بکری در هر دو نمایشنامه وجود دارد که در میان بافت نامناسب مجموعه گم می‌شود. شاید بتوان به بازی در بازی غلام و پسر بچه‌ها در جای کشته شدگان واقعی (غلام و فرزندان مسلم بن عقیل) به عنوان بهترین لحظه‌های نمایشنامه مأمور نگاه کرد.

همانطور که اشاره شد، عمده اشکال این آثار بر می‌گردد به عدم درک شرایط اجتماعی آن دوره و نگاهاً سطحی نگری و کلیشه‌سازی و دور بودن از شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره تاریخی.

از «محمد احمدی» نمایشنامه‌ای دیگر تحت عنوان «حسنگ در حصار دیوه» در مجموعه نمایشنامه‌های ایرانی ویژه کودکان و نوجوانان (گلبرگ ۴) در سال ۱۳۶۹، توسط انتشارات نمایش مرکز هنرهای نمایشی منتشر شده است.

### داریوش ارجمند

نمایشنامه: سفر اشغال  
نویسنده: داریوش ارجمند  
تاریخ نگارش: